

## «درسنامه درس پنجم علوم و فنون ادبی پایه دهم»

### معصومه رضایی نسب دبیر ادبیات شهرستان کارون

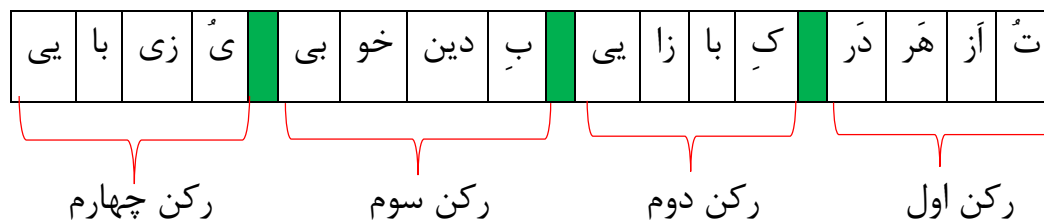
شاعران برای تأثیرگذاری سخن خود از «وزن»، «عاطفه» و «خیال» بهره می‌گیرند.

«وزن» آشکارترین ابزار موسیقایی شعر است.

راه‌های تشخیص موسیقی شعر: الف) از راه شنیداری ب) بخش کردن شعر به پاره‌های هماهنگ و مساوی (تقطیع هجایی)

**نکته:** در هنگام بخش بخش کردن شعر آنچه را که تلفظ می‌کنیم، می‌نویسیم.

مثال مصراع «تو از هر در که باز آیی بدین خوبی و زیبایی» این گونه نوشته می‌شود:



هجا (بخش): مقدار آوایی است که دهان با یک باز شدن آن را ادا می‌کند. هجا از واج پدید می‌آید.

واج: کوچکترین واحد آوایی زبان است. مانند واژه «کتاب» که پنج واج دارد: ک - ا - ت - ا - ب

خواهر: خ / ا / ه / ا - / ر (پنج واج) عزت: ع - ا - ز - ا / ز - ا - ت (شش واج)

حرف: شکل نوشتاری واج را حرف می‌نامند.

**نکته:** در زبان فارسی بیست و نه واج وجود دارد که آنها را به دو دسته «صامت» و «مصوت»

تقسیم می‌کنند.

**مصوت:** زبان فارسی شش مصوت دارد: «-، -، -» «-، -، -» مصوت‌های کوتاه و «ا، ی، و» مصوت‌های بلند

**صامت:** بیست و سه واج دیگر زبان فارسی صامت هستند:

ء (=ع)، ب، پ، ت (=ط)، ج، چ، خ، د، ر، ز (=ذ، ظ، ض)، ژ، س (=ث، ص)، ش، غ (=ق)، ف، ک، گ، ل، م، ن، و، (در اول کلمه وجد)، ه (=ح)، ی (در اول کلمه یاد)

**نکته:** چون مصوت بلند تقریباً دو برابر مصوت‌های کوتاه کشیده تلفظ می‌شود، در وزن شعر (هنگام بخش کردن و علامتگذاری) دو واج به حساب می‌آید؛ اما مصوت کوتاه برابر یک واج است.

**نکته:** الگوهای هجایی با صامت شروع می‌شوند و مصوت (چه کوتاه چه بلند) دومین حرف هجاست.

هجاهای زبان فارسی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

عنوان هجا	نحوه قرار گرفتن	نشانه	مثال
کوتاه	صامت + مصوت کوتاه	U	تو(ت)، نه(ن)، که(ک)
بلند	الف) صامت + مصوت کوتاه + صامت ب) صامت + مصوت بلند	-	گُل، سَر، دِل پا، مو، سی
کشیده	الف) صامت + مصوت کوتاه + دو صامت ب) صامت + مصوت بلند + یک یا دو صامت	U- U-	نَرم، سَبز، گَرم، بُرد بِیست، کاش، دوست

قبل از جداسازی هجاهای یک کلمه باید به نکات زیر توجه کنیم:

۱- هر هجا (بخش)، یک مصوت دارد؛ بنابراین تعداد هجاهای یک کلمه با تعداد مصوت‌های آن کلمه برابر است. مثال واژه «باد» یک مصوت دارد و یک هجاست. «ماهی» دو مصوت دارد و دو هجاست.

۲- هر هجا را همان طور که می‌خوانیم (تلفظ می‌کنیم)، می‌نویسیم تا در شمارش واج‌ها دچار اشکال نشویم؛ مثال خواب ← خاب (U-)      تو ← ت (U)

۳- در زبان فارسی هیچ هجا و واژه‌ای با مصوت آغاز نمی‌شود؛ بنابراین، واژه‌هایی که ظاهراً با مصوت آغاز می‌شوند (مانند: آسمان، ابر، امید، احسان، ایران و...) در ابتدای خود یک صامت همزه دارند

۴- هجای کشیده چهار یا پنج واج است و معادل یک هجای بلند و یک هجای کوتاه است. (U-)

۵- هر گاه مصوت بلند «ا، و، ی» قبل از «ن» (نون ساکن) کوتاه به حساب می‌آید.

**سوال) دو مصراع یا بیت، چه زمانی هم وزن هستند؟**

الف) تعداد هجا های آنها با هم برابر باشد.

ب) هجا های کوتاه و بلند آنها در مقابل یکدیگر قرار گیرد.

**یادآوری:** در هر شعر، تمام مصراع ها هم وزن هستند. راز این هم وزنی آن است که **تعداد و ترتیب هجا ها** در هر دو مصراع یکی است.

اکنون به جداسازی هجا های بیت زیر، دقت کنید.

**بخور تا توانی به بازوی خویش**      **که سعیت بود در ترازوی خویش**      **سعدی**

بُ	خُر	تا	تَ	وا	نی	بِ	با	زو	ی	خیش
کِ	سَع	یَت	بُ	وَد	دَر	تَ	را	زو	ی	خیش
U	-	-	U	-	-	U	-	-	U	-

می‌بینید که ترتیب و تعداد هجا ها در هر دو مصراع یکی است؛ یعنی هجا های کوتاه و بلند در مقابل هم قرار گرفته‌اند؛ بنابراین، دو مصراع با هم هم وزن‌اند.

**توجه:** **هجای پایانی** اوزان شعر فارسی همیشه **بلند** محسوب می‌شود و اگر به جای آن **کشیده** یا **کوتاه** بیاید، همچنان آن را **هجای بلند** می‌آوریم (اگر هجای پایانی کوتاه یا کشیده بود آن را به صورت هجای بلند می‌نویسیم).

**یادآوری:** در شعر نو، شاعران تساوی مصراع های شعر را ضروری نمی‌دانند؛ به همین سبب طول مصراع های شعر نو یکسان نیست.

« تو را من چشم در راهم؛ / شباهنگام / که می‌گیرند در شاخ تلاجن، سایه ها رنگ سیاهی / اوزان دل خستگانت راست، اندوهی فراهم؛ / تو را من چشم در راهم. »  
**نیما یوشیج**

## خودارزیابی

### جواب خودارزیابی ۱

نَ | شا | یَد | کِ | خُو | بَانُ | بِ | صَح | را | رَ | وَنَد

صامت+مصوت / ص+م / ص+م+ص / ص+م / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص / ص+م+ص

-۲

عَ جَب نِی	ست از گُل	کِ خَن دَد	بِ سَر وِی
کِ دَر این	چَ مَن پا	ی دَر گِل	نِ شِ نَد
- - U	- - U	- - U	- - U

اَ گَر هُو	ش مَن دِی	بِ مَعَ نِی	گِ رِی
کِ مَعَ نِی	بِ مَ نَد	نَ صَو رَت	بِ جِای
- - U	- - U	- - U	- U

۳- در هر مصراع ۴ هجای کوتاه وجود دارد. مصراع اول (ت، ن، ک، ن) مصراع دوم (ن، ر، پ، ن)

۴- «و» مصوت: وقت، یاور، وجد، نانوا

«ی» صامت: یادگار، یاری، باید

«ه» مصوت: نامه، کوزه، لانه

«ه» صامت: شکوه، راه، ده

۵- بیت اول

الا یا آیها السّاقی أدر کأساً و ناولها      که عشق آسان نمود اوّل، ولی افتاد مشکل ها

ا	لا	یا	ای	ی	هَس	سا	قی	ا	دِر	کأ	سأ	و	نا	وِل	ها
ک	عِش	قا	سان	ن	مو	دو	وَل	و	لی	أف	تا	د	مُش	کِل	ها
-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U	-	-	-	U

پایان